

گزارش و نقدی بر ترجمه کتاب سبک و آرا فیلسوفان و سخن شناسان درباره آن کریستین نوآی - کلوزاد

محمود رضا قربان صباغ^۱

کتاب *Le Style* که معرفی و گزارش آن را خانم Christine Noille-Clauzade (کریستین نوآی - کلوزاد) انجام داده در سال ۲۰۰۴ به چاپ رسیده است. اصل فرانسوی این اثر، پدیدآور خود را انتخاب‌کننده و ارائه‌دهنده متون (... Texte choisis & présentés par ...) می‌خواند، اما مترجم/گزارشگر (احمد سمیعی گیلانی) به دلیل پاره‌ای ملاحظات - که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد - وی را «درآمد» و انتخاب‌کننده متون اثر معرفی می‌کند.

مترجم در روی جلد و صفحه مشخصات کتاب، خود را «گزارشگر» معرفی می‌کند، اما در صفحه عنوان کتاب که به فرانسوی در انتهای کتاب آمده است عنوان «مترجم» را برای خود ترجیح می‌دهد، شاید به این دلیل که هر دو امر گزارش و ترجمه را توأمان پیش می‌برد. مترجم/گزارشگر در آغاز، چند صفحه ای را تحت عنوان «تذکار» می‌آورد و در دو یا سه جای اثر، گاه در آغاز یا پایان بخش، خلاصه و توضیح مختصری را به اصل اثر می‌افزاید (صفحه ۵۹ تحت عنوان «سخن مترجم» و در صفحه ۱۰۱ با عنوان «تذکار گزارنده»).

همان‌طور که در این دو عنوان نیز مشهود است، مترجم ظاهراً بین دو عنوان «گزارنده» و «مترجم»، تمایزی قایل نمی‌شود. از آنجاکه این توضیحات، صورت و شکل یکسانی ندارد و بنا به مصلحت و سلیقه مترجم به اثر اضافه شده است، کمک چندانی به فهم بهتر مطالب نمی‌کند. محتوای این قسمت‌ها بیشتر خلاصه‌ای از مضمون همان بخش است: مورد اول در صفحه ۵۹ «سخن مترجم» و در صفحات ۱۰۱-۱۰۲ صرفاً به توضیح بسیار مختصر دیدگاه رولان بارت اختصاص می‌یابد، یکی از سه نظریه‌پردازی که آراءشان در فصل پنجم مطرح شده است؛ یک مورد دیگر هم در صفحه ۱۲۱ قبل از ورود به متن شاپیرو دوباره توضیح مختصری از قول «گزارنده» ذکر می‌شود که مشخص نیست منظور، پدیدآورنده اثر است یا مترجم/گزارشگر آن.

مترجم/گزارشگر به عنوان اصلی روی جلد کتاب یعنی سبک، یک عنوان فرعی افزوده است: و آراء فیلسوفان و سخن شناسان درباره آن. این عنوان در صورت فرانسوی اثر به چشم نمی‌خورد. در این عنوان فرعی قید محدودکننده‌ای برای دو گروه از افراد اشاره شده به چشم نمی‌خورد. با توجه به محتوای کتاب این سؤال پیش می‌آید که کتاب تا چه اندازه از این شمول کلی که عنوان فرعی ادعا می‌کند برخوردار است.

^۱ دانشگاه گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد .

کتاب با دو مقدمه آغاز می‌شود: نخست بخشی که مترجم/گزارشگر با عنوان «تذکار» در آغاز کلام آورده و دیگری قسمتی که پدیدآور اثر با عنوان «درآمد» بدان افزوده است. در نوشته نخست، مترجم/گزارشگر به معرفی کلی اثر می‌پردازد. در این مقدمه در صفحه یازده، وی پدیدآور اثر -خانم کریستین نوآی-کلوزاد- را «گزارشگر» اثر معرفی می‌کند و بدین ترتیب تمایز بین نقش خود به عنوان مترجم/گزارشگر و انتخاب‌کننده و ارائه‌کننده متون را در متن اصلی دچار ابهام می‌سازد و خواننده به طور قطع در نمی‌یابد هر یک از این دو چه نقشی را در پیدایش آن داشته‌اند.

وی در ادامه، توضیحاتی درباره شکل اصلی اثری که گزارش آن را انجام داده به دست می‌دهد. ظاهراً اثر اصلی شامل یک در آمد بوده که ترجمه آن در کتاب سبک آمده است. متن اصلی، شامل شرح نظر هریک از فیلسوفان و متفکران به قلم گزارشگر اصلی یعنی خانم نوآی-کلوزاد بوده است که در کتاب حاضر به این دلیل که نوشته سخن شناسان معرفی شده به «حد لازم و کافی گویا و رسا و حتی روشن تر از شرح [گزارشگر] تشخیص داده شده» حذف شده است. بخش دیگر که از کتاب حذف شده، بخش تعریف و توصیف اصطلاحات کلیدی مندرج در متن بوده است. قسمت دیگر، فهرست آثار مهمی بوده که گزارشگر اصلی در مبحث مورد نظر مفید تشخیص داده، اما بنا به دلایلی نامشخص مترجم/گزارشگر آن را در صورت فارسی اثر حذف کرده است.

ظاهراً گزارشگر/مترجم کتاب در دو یا سه جا توضیحاتی را ضروری تشخیص داده است و همان‌طور که در بالا به آنها اشاره رفت، در پایان دو قسمت و آغاز بخشی دیگر آورده است. اصطلاحات کلیدی و معادل آنها به زبان اصلی از جمله مواردی است که جای خالی آن در کتاب احساس می‌شود. فهرست جایگزین گزارشگر/مترجم به جای فهرست اصلی، از جهاتی برای خواننده فارسی زبان ضروری به نظر می‌رسد، اما کافی نیست؛ یکی به این دلیل که حتی خواننده فارسی زبان نیز ممکن است احساس کند منابع غیر فارسی می‌تواند به او در یافتن پاسخ به برخی سؤالات درباره سبک کمک کند. با حذف لیست منابع اصلی، این بخش عملاً از دسترس خواننده خارج شده است؛ دیگر آنکه تمام موارد مذکور، در لیست جایگزین که زیر نام «برای مطالعات جنبی (از همین قلم)» آمده است، مستقیماً به سبک مربوط نمی‌شوند و عناوین دیگری مانند «زیبایی شناسی»، «سعدی در غزل» و موارد مشابه دیگر در این لیست به چشم می‌خورد که ارتباط مستقیم آنها با مقوله سبک آن‌چنان که منظور این اثر می‌باشد محل تردید است. دیگر اینکه جای خالی آثار دیگر نویسندگان در حوزه سبک کاملاً خالی است.

از جمله کاستی های جزئی تر کتاب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. در هر مورد نمونه‌هایی به تفکیک با ذکر شماره صفحه آمده است:

■ برخی اشکالات تایپی که البته تعداد آنها زیاد نیست:

- ۱- "یا پیدایش زبان شناسی، ... (به جای با پیدایش زبان شناسی، ...)» (ص ۱۶).
 - ۲- "سبک از این نظر، فرم درونی فکر و عواطف جماعت راه هم بازتاب می‌دهد و هم می‌تاباند." (ص ۱۲۲)
- (البته مفهوم جمله هم واضح نیست!).

۳- در پاورقی ۴ (ص ۵۵) غلط تایپی به چشم می‌خورد: anapestique به غلط

anaceptique تایپ شده است. موارد مشابه در پایین آمده است:

■ در بخش پایانی «درآمد»، گزارشگر اصلی اظهار می‌دارد که «در نقل این مستخرجات، در مواردی که اثر به زبان فرانسه نوشته نشده، از ترجمه‌های به زبان فرانسه استفاده شده است و در نقل از این ترجمه‌ها، پاره‌هایی حذف شده که در منبع با علامت [...] نشان داده شده است و ما از آوردن آن صرف نظر کرده‌ایم تا گسستگی احساس نشود» (ص ۲۱). مشخص نیست در این نقل قول صحبت از کدام منبع است. احتمال می‌رود، منظور همین کتاب حاضر باشد. مشخص نبودن جای حذف مطلب که ظاهراً در صورت اصلی کتاب هم اتفاق افتاده است، به حاصل کار در زبان فارسی هم راه یافته و همین امر مانع از آن می‌شود تا خواننده کنجکاو بفهمد چه مطلبی از کدام قسمت حذف شده است. این کار وجهه علمی اثر و وفاداری به نویسنده اصلی مطلب یعنی همان «فیلسوفان و سخن‌شناسان» مذکور در عنوان فرعی را تا حدی مخدوش می‌سازد.

■ در توضیحات مندرج در پاورقی‌ها، گزارشگر/مترجم گاه با آوردن قید «مترجم»، در پایان یادداشت مشخص می‌کند توضیحی را که خود بدان افزوده است، در صورت اصلی موجود نیست، اما در اکثر توضیحات اشاره‌ای به نام مترجم نمی‌شود و این شائبه را به وجود می‌آورد که احتمالاً این یادداشت در متن اصلی موجود بوده است. از فحوای توضیح می‌توان فهمید در اکثر موارد، این یادداشت‌ها از سوی گزارشگر/مترجم به متن اضافه شده است. همین امر به سردرگمی خواننده می‌انجامد.

■ مترجم گاه معادل اصلی یک اصطلاح را در پاورقی و گاه آن را در داخل کمانک () در متن می‌آورد. در این مورد وحدت رویه‌ای اتخاذ نمی‌شود (مقایسه ص ۳۱ با ص ۲۷).

■ مترجم سبکی فاخر و پرطمطراق را برای ترجمه همه متون برگزیده است که البته در غالب موارد با موضوع بحث تناسب و همخوانی ندارد، اما به نظر می‌رسد در این امر هم رویه یکسانی را پیش نگرفته و گاه در میان واژگان و ساختارهای فرهیخته و وزین آن، کلماتی عامیانه خودنمایی می‌کنند که چونان کرباسی از «تافتة» متن اصلی جدا می‌افتند.

۱- «حال اگر چنین تعبیراتی بدون تمیز و دیمی به کار روند، معما یا بربرگرایی پدید می‌آید» (ص ۳۸). فرهنگ معین واژه «دیمی» را به معنی «بی‌مطالعه، الکی، خودبارآمده» با برچسب «عامیانه» مشخص می‌کند.

۲- «از اینکه آن همه وقت صرف ساختن ترکیبات تازه‌ای از هجاها کرده تا آنچه را همه می‌گویند بگوید، نه تنها ستایشش نمی‌کنیم، دلمان به حالش می‌سوزد» (ص ۶۷).

۳- «... انبانی دارند پر از واژه اما فکری در بساطشان نیست؛ از این رو با کلمات ور می‌روند و می‌پندارند معانی را جفت و جور کرده اند...» (ص ۸۴). دوباره در صفحه ۱۲۶ همین واژه «ور رفتن» تکرار شده است.

۴- «...کارشان شایسته و درخور است؛ در آن، دستور زبان لنگ نمی‌زند؛ آهنگ حرکت مطلوب است...»

نویسنده گاه به جای توضیح مفاهیم دشوار به سرعت حتی بدون ارائه، توضیحی در تبیین موضوع از کنار آن می‌گذرد.

۱- «وانگهی این همان چیزی است که راپسودی (آهنگ بالبداهه)، نقد نازل و دیگر فنون را پدید می‌آورد» (ص ۳۹). مترجم به جای توضیح در پاورقی به ارائه تعریفی مختصر در کمانک (که البته معلوم نیست در متن اصلی بوده یا آن را خود بدان افزوده) می‌پردازد و برای نقد نازل هم صرفاً به آوردن معادل فرانسوی در پاورقی بسنده می‌کند (hypocritique).

۲- همچنین رجوع شود به پاورقی های صفحات ۱۱۲-۱۱۳ و ۱۱۵.

در مواردی اشکالاتی در نحوه به‌کارگیری علائم سجاوندی به چشم می‌خورد که می‌توان آن را به اشتباه در حروف چینی نسبت داد.

۱- «... آن هم پذیرای دو صورت زبانی است: یکی که هنر. در آن، به زیر پوسته‌ای خام و ناپرورده پنهان است و ...» (ص ۴۳).

گزارشگر/مترجم به کرات در ترجمه خود از تتابع اضافات استفاده می‌کند و اسامی و صفات را در رشته‌ای به دنبال هم می‌آورد. این خود کار فهم مطلب را مشکل می‌کند.

۱- «بسیاری از شواهد جزئی دیگر حاکی از آن‌اند که قدرت تاثیر سخن در آن واحد شکوهمند و حکیمانه بیشتر در ناله‌ها و سرشک دیدگان مستمع و عمدتاً در ...» (ص ۴۹).

۲- «شاهکارهای ادبی این دوام حیات کران ناپیدای خواص مؤثر خود را مدیون فرم زیبای آفریده نویسنده و اگر می‌پسندید، سبک‌اند که در آن، اصالت او تحقق یافته است» (ص ۹۰).

۳- «لذا تقسیم‌بندی او به ثبت گوناگونی روش‌های بنای موضوع نوعاً علمی، که طی تاریخ به‌وجود آمده و دوام یافته باز می‌گردد» (ص ۱۳۰).

جابه‌جا شدن شماره پاورقی: ص ۵۵

جمله بندی‌ها گاه به گونه‌ای است که فهم مطلب را با دشواری مواجه می‌کند:

۱- «... زیرا هر آنچه به راستی سخن شکوهمند باشد این خاصیت دارد که، به شنیدن آن، نفس اعتلا می‌یابد و خود را در مرتبتی می‌بیند درحالی‌که از سرور و ندانم چه غرور شریفی سرشار می‌گردد، انگار او بوده که آنچه را فقط شنیده فرا آورده است» (ص ۵۸).

۲- «چه کسی می‌تواند ادعا کند سبک فلور را تعریف کرده به صرف اینکه در اثر او کاربرد عناصر قاموسی و تصویرها و مواد دستوری و آرایش کلمات و نظم و ترتیب جملات را حتی عمیقاً بررسی کرده است؟» (صص ۱۰۵-۶)

۳- «یکی از خصوصیات سبک چه بسا جنبه‌ای از کلام باشد که گفته، مسطوره‌هایی از آن نشان داده، و به بیان آن پرداخته شده باشد» (ص ۱۱۱).

- اشکال احتمالی در تطابق فعل و فاعل: «اینان طبیعت را حرمت می‌نهند که به آنان می‌گویند از هر چیز حتی از علم کلام می‌تواند گفتگو کند» (ص ۶۴).
- در صفحه ۶۴ مترجم نام یک بازی را به زبان اصلی در متن می‌آورد و در مقام تبیین، درپاورقی، توضیحی ذکر می‌کند که نه تنها کارگشا نیست بلکه مشکل آن را دوچندان می‌کند. متن: *paume* پاورقی: «نوعی بازی قدیمی شبیه بازی آبخور که در گیلان رایج بوده است». گویا این بازی صورت ابتدایی بازی تینس بوده است و خاستگاه آن کشور فرانسه است.
- گاه به کارنگرفتن علائم سجاوندی در جایی که حضور آنها ضروری به نظر می‌رسد امکان خوانش غلط متن را افزایش می‌دهد:
 - ۱- عنوان متن بوفون: «سبک خود اثرآفرین است» (ص ۶۵) را می‌توان به شیوه‌های مختلفی خواند، اما در واقع فقط یک صورت آن صحیح است: «سبک، خود اثرآفرین است» یا ترجمه روشن‌تر آن «سبک یعنی آفریننده اثر». وی هنگامی که به نقل آرای اسپیتسر می‌پردازد همین جمله بوفون را نقل می‌کند، اما این بار جمله فرانسوی را در متن می‌آورد و ترجمه آن را به صورت زیر در ادامه نقل می‌کند: «آنان، پس از نقل یا شبه نقل اجتناب ناپذیر قول بوفون که گفته است: *Le style c'est l'homme* (سبک شخص نویسنده است)، در تک نگاری خود، فصلی را به سبک نویسنده منتخب خویش اختصاص می‌دادند» (ص ۹۵).
- صرف نظر از عدم تناسب سبک ترجمه با موضوع، گاه کاربرد قدیمی صرف افعال، متن را بیش از پیش از درک مخاطب دور می‌کند. از آنجا که مترجم در کاربرد افعال بدین صورت به گونه‌ای کاملاً ذوقی عمل می‌کند، نتیجه کار جز برانگیختن تعجب خواننده چیز دیگری نخواهد بود.
 - ۱- «بنگرید که منتقدان چه مایه غرایب و تفرّد اجتناب ناپذیر سبک را بهانه مخالفت با چنین اثرآفرینی خواهندی ساخت و خواهند گفت سبک او چه پر تکلف است ...» (ص ۷۰).
- از جمله تعقیدات ساختاری که فهم جمله را دشوار می‌کند می‌توان به مواردی اشاره کرد که در آن، مترجم جمله بلند پیرو را در آغاز کلام می‌آورد و انعقاد مفهوم را بدین ترتیب به تعویق می‌اندازد:
 - ۱- «اما چون وظیفه کشف دلالت جزئیات را بر عهده گیریم و بنا بر عادت، با جزء و پاره‌ای از نوشته، به همان اندازه معنای اثر هنری، جدی برخورد کنیم - به تعبیری دیگر، اگر همه تعبیرات و بیان‌های انسانی را جدی بگیریم- به معنای آن است که با اعتقادی هر چه جازم‌تر این اصل موضوع فیلولوگها را بپذیریم که جزئیات جمع عارضی مصالحي پراکنده نیستند که نوری نتابانند» (ص ۹۶).
- در برخی موارد ساختار جمله به نظر صحیح نمی‌آید:
 - ۱- «نخست سخن، همچنان که در حالت گروه‌های محلی، بر سر شاهراه تبیین نقش خصایص فردی و تاریخی بنای شناخت علمی است» (ص ۱۲۶).

■ در مواردی گزارشگر/مترجم به جای درج صورت غیر فارسی در پاورقی هر دو صورت را در متن اصلی می آورد:

۱- مترجم نقل قولی را از شلایرماخر می آورد که هم صورت آلمانی و هم ترجمه را در متن اصلی درج می کند. ضمناً در صورت آلمانی این عبارت هم غلط تایپی به چشم می خورد: "Weltanschauung: die welt anschauen" که در آن، صورت صحیح واژه نخست "Weltanschauung" است.

۲- در مورد ترکیب "suis generis (خود زاده)..." صورت غیر فارسی و ترجمه درون کمانک داخل متن آمده و نویسنده از درج آن در پاورقی خودداری کرده است.

۳- همین امر دربارهٔ a priori (پیش از تجربه، ماتقدم) هم صادق است (ص ۱۳۲).

■ مترجم در درج اسامی و توضیحات پاورقی وحدت رویه ای پیش نگرفته است. در صفحه ۱۰۶ نویسنده بدون ارائه، توضیح بیشتر صرفاً مطلبی را از شخصی به نام هر تسگ بیان کرده و صورت اصلی آن را در پاورقی بدون هیچ گونه توضیحی آورده است، اما صورت فرانسوی و توضیح فارسی واژه phatique را در داخل متن آورده است. دوباره همان صورت فرانسوی در پاورقی تکرار شده است. توضیح ارائه شده برای این اصطلاح زبان شناسی از دقت لازم برخوردار نیست (متمرکز بر حفظ تماس رمزگذار و رمزگشا). معادل این تعبیر «باب سخن گشایی» است و دلالت دارد بر کاربرد زبان صرفاً به منظور برقراری نوعی رابطه اجتماعی با مخاطب و نه انتقال اطلاعات. از این دست است عباراتی که در احوال پرسشی های متداول روزمره به کار می رود.

■ مترجم گاه هم نشینی واژگانی (collocation) غریبی را در ترجمه خود به کار می گیرد:

۱- «این روش در عهد باستان و قرون وسطی، در بسیاری از علوم، از نجوم گرفته تا موسیقی، اختیار شده و از شکست های طنین افکن (مثلاً در نجوم یا فیزیک) عاری نبوده است» (ص ۱۲۹).

■ معادل algorithmes amthématiques به جای "الگوریتم های ریاضی"، "لگاریتم های ریاضی" درج شده است (ص ۱۲۹).

■ استفاده گاه و بی گاه از واژگان نامأنوس که کمکی به فهم سریع متن نمی کند.

۱- «...گستره دوران های تاریخی را گذاره شوند». به جای «دوره های تاریخی را پشت سر گذارند» (ص ۱۳۲).